

حاصل کرده است.<sup>۱۹</sup> این شیوه مسلماً ادعای کتاب را مبنی بر بی‌طرفی و حفظ اعتدال تضعیف می‌کند.

شیوه تنظیم معمای هویدا، ساختاری هوشمندانه دارد و ما را به یاد فیلم‌های قدیمی هالیوودی می‌اندازد. کتاب به صورت دراماتیک از روزهای طوفانی فروردین ۱۳۵۸ و دوران حبس هویدا آغاز می‌شود. حبسی که همان طور که اکثر خوانندگان می‌دانند، سایه سنگین اعدامی دهشتناک بر آن سنگینی می‌کرد. هویدا که به مدت بیش از سیزده سال با وفاداری کامل به شاه خدمت کرده بود، در سال ۱۳۵۷ به منزله قربانی و هدف انقلاب در حال رشد، به زندان انداخته شد و در زمانی که شاه قدرشناس و سایر خدمتکاران خوش اقبال ترش از کشور می‌گریختند و هویدا را پشت سر خود جا گذاشتند، از اتهام زدن به ارباب خود پرهیز کرد و به خبرنگار فرانسوی‌ای که به دیدن او آمده بود، گفت: «به نظرم قربانی بهتر است سکوت اختیار کند.»<sup>۲۰</sup>

پس از این مقدمه غمگین، کتاب با بازگشت به عقبی طولانی که زندگی هویدا را از کودکی تا نخست وزیری و سپس استعفا و سقوط در برمی‌گیرد، آغاز می‌شود. دو فصل آخر ما را مجدداً به اول کتاب بازمی‌گرداند و بر دادگاه و اعدام او تمرکز می‌کند. میلانی با موفقیت روایت‌های تاریخی، اسناد، طنز و شهادت‌های فردی را در هم می‌آمیزد تا حاصل کار را که همان زندگی و زمانه هویدا است به ما نشان دهد. اما بر تمام این‌ها دو نقطه ضعف عمده غالب است که هر دو از جانب‌داری ناروای میلانی از قهرمانش ناشی می‌شود. اولاً در توانایی‌های روشنفکری هویدا بیش از حد اغراق می‌شود و دوم، پرسش مسئولیت سیاسی و اخلاقی وی دائماً نادیده گرفته شده و به پس‌زمینه رانده می‌شود.

اغلب خوانندگان با این نظر موافقت می‌کنند که یک روشنفکر جدی باید به میزانی از پاسخ‌دهی در مقابل اعمالش مقید باشد. به ویژه اعمال عمومی و سیاسی‌اش. در دهه‌های ۵۰-۱۳۴۰، انتظار از یک روشنفکر بسی بیش از این نیز بود و او وظیفه سنگین گفتن واقعیت به قدرت را نیز به دوش می‌کشید.

حال آن که میلانی درست جهت عکس این نظر را اتخاذ کرده طوری وانمود می‌کند که گویی صرف ادعای روشنفکری هویدا می‌تواند تسلیم شدن کامل و فرصت‌طلبانه او را به واقعیت سرکوبگرانه وقت، جبران کند.

با این همه پرسش این است که اصولاً ادعای روشنفکر بودن هویدا از کجا می‌آید؟ در فصل‌های اولیه کتاب میلانی توضیح می‌دهد که هویدا و برادرش فریدون، به خاطر کار پدر که مستخدم وزارت امور خارجه بود، در دمشق و بیروت بزرگ شدند و چون در مدرسه فرانسوی